

بررسی صکوک اسلامی صنایع نفت و گاز در نظم حقوق کنونی

امیرحسین حقیقی<sup>1</sup>، دکتر محمدعلی حقیقی<sup>2</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجاری اقتصادی بین المللی دانشگاه تهران [haghighilaw@ut.ac.ir](mailto:haghighilaw@ut.ac.ir)

استادیار و عضو هیات علمی دانشکده مدیریت دانشگاه شهید بهشتی [kimiariss@yahoo.com](mailto:kimiariss@yahoo.com)

چکیده:

اساسی ترین محور اقتصاد ایران در قرن اخیر صنایع نفت و گاز بود اند ، و با توجه به دور اندیشی های سیاستگذاران در مورد اقتصاد بدون نفت و پویا ، استفاده بهینه از میادین به ویژه میادین مشترک ضروری بوده و ما را به تجزیه و تحلیل استفاده ابزار تامین مالی کارآ رهنمود می نماید.

طراحی ، تهیه و تنظیم قراردادهای نفتی در وهله اول مستلزم ارایه تعریف صحیح از مبانی تشکیل دهنده قراردادهای نفتی می باشد، که مالکیت مخازن هیدروکربنی تصریح شده در قانون اساسی و رویکرد قراردادهای متداول جمهوری اسلامی ایران (بیع متقابل)، با نگرش هزینه محور از همین دست مبانی می باشند.

از طرفی جهت تامین مالی پروژه های نفتی و با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه و تصویب قانون بودجه 1390 ، وزارت نفت و شرکت ملی نفت مجاز به انتشار صکوک برای تامین مالی پروژه های سرمایه گذاری بالادستی شدند.

در این نوشتار سعی داریم با توجه به مبانی فقهی - حقوقی ، قراردادهای بالادستی در نظم کنونی ، انواع صکوک مرتبط و مزایا و چالش های آنها را مورد بررسی قرار دهیم.

کلمات کلیدی : تامین مالی ، بیع متقابل ، صکوک ، حقوق انرژی



## مقدمه:

اساسی ترین محور اقتصاد ایران در قرن اخیر صنایع نفت و گاز بود اند ، و با توجه به دور اندیشی های سیاستگذاران در مورد اقتصاد بدون نفت و پویا ، استفاده بهینه از میادین به ویژه میادین مشترک ضروری بوده و ما را به تجزیه و تحلیل استفاده ابزار تامین مالی کارآ رهنمود می نماید.

طراحی ،تهیه و تنظیم قراردادهای نفتی در وهله اول مستلزم ارایه تعریف صحیح از مبانی تشکیل دهنده قراردادهای نفتی می باشد،که مالکیت مخازن هیدروکربنی تصریح شده در قانون اساسی و رویکرد قراردادهای متداول جمهوری اسلامی ایران (بیع متقابل)،با نگرش هزینه محور از همین دست مبانی می باشند. از طرفی جهت تامین مالی پروژه های نفتی و با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه و تصویب قانون بودجه 1390 ،وزارت نفت و شرکت ملی نفت مجاز به انتشار صکوک برای تامین مالی پروژه های سرمایه گذاری بالادستی شدند.

## مفهوم تامین مالی

تامین مالی شاخه ای از علم اقتصاد است که به موضوع فراهم کردن سرمایه برای اشخاص،کسب و کارها و دولت ها میپردازد.به اعتقاد ارشادمنش و همکارانش تامین مالی عبارت است از تهیه سرمایه لازم جهت بدست آوردن عوامل و منابع مختلف مورد نیاز برای تولید یک کالا و یا ارایه خدمات . به بیان دیگر تامین مالی به معنای تامین سرمایه گذاری در طرح های اقتصادی است(1)

تامین مالی به فرایند تمرکز منابع مالی یا سرمایه به صورت میان مدت و بلند مدت اطلاق میگردد. تامین مالی به نهاد ها اجازه میدهد به جای در دست داشتن پول نقد ،از اعتبار،برای خرید کالا ،سرمایه گذاری در پروژه یا دیگر مبادلات اقتصادی خود استفاده نمایند .یکی از مهمترین روش های تامین منابع لازم برای سرمایه گذاری ،پس انداز داخلی است.در اکثر کشورهای در حال توسعه به واسطه ی پایین بودن سطح در آمد ، حجم پس انداز ملی در سطح پایینی بوده و اگر پس انداز هم صورت گیرد ، غالباً در بخش های غیرمولد اقتصادی میباشد و در نهایت به سرمایه گذاری منجر نخواهد شد. به همین دلیل اغلب کشور های در حال توسعه با کمبود منابع مالی برای سرمایه گذاری مواجهه هستند.

از دیدگاه تیوری ،نقش سرمایه در بین اقتصاددانان بر این ایده استوار است که سرمایه به منزله موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی جوامع میباشد و استفاده از امکانات سرمایه گذاری داخلی و خارجی از طریق به کارگیری بهینه ی منابع تولید از

مهمترین عوامل دستیابی به پیشرفت اقتصادی و توان افزایش مادی است. تمرکز قابل توجه منابع مالی یا سرمایه، استفاده مطلوب تر و کامل تر از منابع موجود را امکان پذیر می سازد و موجب افزایش تولید، درآمد و اشتغال میشود (2)

بیع متقابل یا معاملات دو جانبه، نوعی روش تامین مالی غیر قرضی است که در آن فروشنده یا تامین کننده منابع مالی تعهد میشود در ازای فروش کالا یا خدمات به خریدار، معادل ارزش معادله صورت گرفته، کالا یا خدمات خریداری کند. به عبارتی، نوعی معامله جبرانی است که طی آن منابع مالی به صورت ماشین الات، تجهیزات و دانش فنی به منظور تولید در اختیار خریدار قرار میگیرد. تامین کننده منابع یا فروشنده متقابلا و تحت شرایط قرار داد مربوطه، تولیدات خریدار را به جای پول نقد - که ممکن است کمتر، برابر یا بیشتر از ارزش اولیه منابع استفاده شده باشد - خریداری میکند. نکته حایز اهمیت در قرار دادهای بیع متقابل، پیوسته بودن ماشین الات و تجهیزات با تولیدات همان واحد و منتج از همان ماشین الات و تجهیزات میباشد.

1) ملاحظات حقوقی می بایست در این گونه قراردادها به صورت ویژه لحاظ گردند و مواردی از قبیل حاکمیت قوانین طرف داخلی بر قرار داد، باز پرداخت صرفا از محل تولید و کنترل کامل طرف داخلی پس از رسیدن به تولید را شامل گردد. همچنین به حداکثر رسانیدن مشارکت امکانات تولیدی، مهندسی و اجرایی داخلی باید مورد توجه قرار گیرد.

2) پس از پایان دوره عملیات اجرایی پروژه، راه اندازی و شروع تولید، کشور (و یا شرکت) میزبان کنترل عملیات را به عهده گرفته و مسول تامین هزینه عملیات جاری خواهد بود. همچنین پس از پایان دوره و پرداخت اصل، بهره و سود سرمایه گذاری ها، پیمانکار دارای هیچ گونه حقی در پروژه نخواهد بود.

3) نرخ بازده سرمایه گذاری نسبت به روش فاینانس بالاتر بوده و معمولا حدود 20 درصد میباشد.

4) ریسک در این نوع قرار داد متوجه هر دو طرف می باشد و به طور عمده طرف خارجی با ریسک بیشتری روبه رو است.

در دهه های اخیر بهره گیری از روش های تامین مالی اسلامی باروند رو به رشد قابل ملاحظه ای مواجه بوده است. یکی از مشخصات مهم این روش ها این است که تامین کننده منابع مالی به هیچ وجه نمیتواند بهره ای را دریافت نماید و به جای بهره، شاخص مارک اپ رادر مناف خود لحاظ مینماید. همراه با پیشرفت و نوآوری های مالی، انواع محصولات استاندارد در زمینه تامین مالی فعالیت های تجاری و پروژه های سرمایه گذاری ایجاد شده است. برخی از این محصولات مستقیما بر اساس ساختارهای اشاره شده در قرآن ایجاد شده اند و برخی دیگر نتیجه مهندسی مالی می باشند که از ترکیب ابزار های مالی متنوع و مورد قبول برای دستیابی به محصولی که در قبال ریسک قابل قبول، بازده قابل قبولی را ایجاد کند، به وجود آمده است.



رشد صنعت تامین مالی اسلامی در ابتدا با مزاد تر از تجاری کشورهای اسلامی که حاصل از صادرات نفت بوده، همراه گشت، اما این رشد حتی با وجود کاهش در امد های نفتی ادامه یافت و این امر بیانگر این مهم است که گسترش تامین مالی اسلامی علاوه بر اتکاء به درآمد های نفتی، متکی به عناصر دیگری از قبیل میل و علاقه به داشتن نظام های اجتماعی-سیاسی و اقتصادی سرمایه گذاری شده بر مبنای اصول اسلامی و هویت قدرتمند اسلام است. علاوه بر آن، وجود اصلاحات ساختاری و گسترده اقتصاد کلان و نظام های مالی، آزاد سازی حرکت سرمایه، خصوصی سازی و همبستگی بازار های مالی جهانی، راه را برای گسترش تامین مالی اسلامی هموار کرده است.

در این راستا فصل حاضر به بررسی ویژگی های تامین مالی، روش ها، ابزار ها و مشکلات موجود در این زمینه میپردازد.

تامین مالی اسلامی یکی از مهمترین مباحث مورد استفاده در تجارت قرون وسطی بود. در اسپانیا، حوزه مدیریتانه و بالتیک، تجار مسلمانان تعهد به تامین مالی اسلامی به واسطه های معتبری در عرصه تجارت تبدیل شده بودند و رفته رفته، مفاهیم تکنیک ها و ابزار های مالی اسلامی حتی مورد تایید و استفاده تجار و تلمین کنندگان سرمایه در اروپا قرار گرفت.

بر خلاف آنچه در بالا گفته شد، اصطلاح نظام های تامین مالی اسلامی نسبتاً جدید می باشد و در اواسط دهه 1980، مورد استفاده قرار گرفته است. در حقیقت تا پیش از این، در فعالیت های تجاری و بازرگانی تمام ارجاعاتی که به اصول اسلامی داده میشد، زیر چتر بانکداری بدون ربا یا بانکداری اسلامی انجام می گرفت. نکته مهم در این موضوع آن است که توضیح نظام های مالی اسلامی، تحت عنوان ساده بدون ربا نمیتواند در بردارنده مفاهیم جامع تامین مالی اسلامی باشد و بنابر این نمیتواند تصویری حقیقی از نظام های مالی اسلامی برای مخاطب فراهم آورد بدون شک، ممنوعیت دریافت و پرداخت ربا، به عنوان هسته اصلی این نظام مطرح است، اما به واسطه سایر اصول دکنترین اسلامی از قبیل ریسک، وظایف و حقوق فردی، حقوق مالکیت و احترام به قرارداد، پشتیبانی میشود. به طور مشابه نظام های مالی اسلامی تنها محدود به بانکداری نیست، بلکه تشکیل سرمایه، بازار های سرمایه و تمام انواع واسطه های مالی را در بر میگیرد.

تفصیل نظام های مزبور تحت عنوان بهره (ربا) منجر به سر در گمی میشود، زیرا مبانی فلسفی اسلامی فراتر از ارتباط متقابل بین عناصر تولید و رفتار اقتصادی است. در شرایطی که نظام مالی رایج، به طور ویژه بر روی جنبه های مالی و اقتصادی مهمات تمرکز دارد، سیستم اسلامی به طور مساوی بر روی ابعاد اخلاقی، اجتماعی و دینی تمرکز دارد تا بتواند برابری و عدالت را برای جامعه به عنوان یک کلید گسترش دهد. این سیستم میتواند کاملاً در چارچوب تکنیک های اسلامی در باب اخلاق کاری، توزیع ثروت، عدالت اقتصادی و اجتماعی و نقش دولت مورد تحسین و ستایش قرار گیرد. نظام مالی اسلامی بر مبنای ممنوعین مطلق دریافت و پرداخت یک نرخ بازگشت سود از پیش تعیین و تضمین شده، دلالی و سفته بازی را مورد تایید قرار نمیدهد و بر روی اهمیت احترام به قرارداد ها تاکید می ورزد.

از یک نظام مالی اسلامی میتوان انتظار یک کارایی تخصیصی پیشرفته را داشت که در آن یک الگودووجهی برای واسطه های مالی اسلامی پیشنهاد شده است و بر طبق آن سپرده های دیداری (جاری) صد در صد به سپرده گذاران برگردانده خواهد شد و سپرده های سرمایه گذاری بر پایه سهم بری عدالت-محور پذیرفته میشود. الگوهای تحلیلی بیان میکنند که چنین سیستمی تا



زمانی استوار خواهد بود که ساختار و نوع تعهدات و دارایی ها به طور متقارن از طریق تقسیم سود با یکدیگر هماهنگ شوند، هیچ هزینه و بهره ثابتی پرداخت نشود و تامین مالی مجدد از طریق قرض امکان نداشته باشد. در این صورت کارایی تخصیصی صورت میپذیرد، زیرا جایگزین های سرمایه گذاری بطور سخت گیرانه ای بر مبنای بهره وری و نرخ بازگشت خود انتخاب میشوند. در حقیقت باید بیان نمود که ساختار تامین مالی اسلامی توسط چهار عامل کلیدی شکل میگیرد:

تقاضا و خواسته مشتری

اختراعات تکنولوژیکی

ساختار نظارتی و قانون

نوآوری

#### مالکیت و محدودیت های سرمایه گذاری در بخش بالادستی نفت:

نفتی که به موجب این قرارداد تولید می شود کلا در سرچاه به شرکت ملی نفت تعلق دارد در واقع این قرارداد تعهد پیمانکار و تعهد به استخراج نفت به میزان تجاری است، به شرط تحویل این نفت به کارفرما، کارفرما متعهد به پرداخت هزینه ها و وجه مصرف شده به پیمانکار خواهد شد. به بیان دیگر اثر قرارداد در این عقد ایجاد نوعی حق دینی برای پیمانکار است. در نتیجه نفت تولیدی به مالک منبع که همان شرکت ملی نفت است تعلق دارد.

در خصوص مالکیت منابع و مخازن نفتی نیز در تمام کشورهایی که این قراردادها منعقد می شود مالکیت منابع تعلق به دولت یا شرکت ملی نفت آن کشور است در ایران و برزیل که نمونه از کشور های مرجع این دسته از قرارداد ها هستند نیز همین قاعده کلی رعایت شده است. در قرارداد های برزیل، این مقرر مذکور است که شرکت پترو براس مالک منحصر و بدون قید و شرط تمام نفت و گاز تولیدی در نتیجه قرارداد است. اعطای منطقه خدمات هیچ حقی با هر ماهیت حقوقی برای پیمانکار نسبت به منطقه تحت تصرف یا منابع زیرزمینی آن ایجاد نمی کند. با این وجود به موجب مفاد قرارداد پیمانکار حق دارد میزانی از نفت تولیدی میدان را بر اساس شرط باط فروش خریداری نماید. معهدا این شرط فقط قراردادی است که پیمانکار برای خرید نفت منعقد می کند و هیچ حقی نسبت به عین نفت پیدا نمی کند.

به بیان دیگر قرارداد موجد نوعی حق دینی برای پیمانکار نسبت به کارفرما است و هیچ حق عینی برای او نسبت به نفت تولیدی ایجاد نمی کند. (3)

ماده 3 قانون معادن مصوب 1317 استخراج معادن نفتی در انحصار دولت می باشد. (4)



قانون نفت 1353 منابع نفتی ملی است و شرکت ملی نفت به نیابت از مت اعمال حق می کند.(5)

اصل 45 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده 2 قانون نفت سال 1366 نیز منابع نفتی را جزو انفال و ثروت های عمومی می شمارند.(6و7)

### انواع ابزار مالی اسلامی:

بعد از اجرای موفق ایده بانکداری بدون ربا در بسیاری از کشور ها اسلامی، اندیشمندان مسلمان در زمینه طراحی ابزار های مالی اسلامی اندیشه کردند. به این منظور مطالعات گسترده ای بر روبر عقود شرعی و قابلیت آنها برای ابزار سازی صورت گرفت تا با استفاده از آنها ابزار های مالی اسلامی به عنوان جایگزین ابزار های چون اوراق قرضه و اوراق سهام ممتاز که به طور معمول مبتنی بر قرض بت بهره و ربا هستند ، طراحی گردد.

گروه نخست: ابزار های مالی غیر انتفاعی که بر اساس قرارداد قرض الحسنه طراحی شده اند.

گروه دوم: ابزار های مالی انتفاعی با نرخ های سود معین که مبتنی بر قرارداد های مشارکتی عرضه شده اند.

گروه سوم: ابزار های مالی انتفاعی با نرخ های سود انتظاری که با توجه به قرارداد های مشارکتی عرضه شده اند.(8)



## صکوک مرابحه

بیع مرابحه یکی از انواع بیع است که از زمان ها یقدیم بین مردم رایج بوده و مقصود از آن معامله ایست که فروشنده قیمت تمام شده کالا (قیمت خرید و هزینه مربوطه) را به اطلاع مشتری میرساند، سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود میکند. برای مثال اعلام میکند این کالا را به هزار تومان خریده و حاضر است به هزار و صد یا ده درصد سود به مشتری بفروشد. در بیع مرابحه چنان چه بایع در بیان قیمت خرید یا هزینه های مربوطه دروغ بگوید، مشتری خیار فسخ پیدا میکند. بیع مرابحه میتواند به صورت نقد یا نسبه منعقد شود. در صورتی که نسبه باشد به طور معمول نرخ سود آن بیشتر است.

چندی است برخی متفکران اسلامی، با استفاده از ویژگی های بیع مرابحه اقدام به طراحی اوراق بهاداری به نام اوراق مرابحه کرده اند. این اوراق در برخی کشورهای اسلامی چون مالزی تحت عنوان اوراق قرضه اسلامی به مرحله اجراء نیز رسیده است.

1- از آنجایی که تمامی اوراق مرابحه بر اساس سود برای صاحبان اوراق طراحی میشوند: در نتیجه این اوراق از صنف ابزار های مالی انتفاعی خواهد بود.

2- نرخ سود نوع اول و دوم اوراق مرابحه-چه در بازار اولیه چه در بازار ثانویه-معین و از قبل تعیین شده است و نرخ بازدهی نوع سوم گریه به خودی خود متغیر است و در دامنه مشخصی از تغییرات قرار میگیرد لکن به جهت وجود متغیر دیگری بنام حق الوکاله میتوان با مدیریت مشخص به نرخ معینی از سود برای صاحبان اوراق رسید در نتیجه اوراق مرابحه ابزار مناسبی برای صاحبان وجوهی که به دنبال سود معین از سرمایه گذاری هستند محسوب میشود.

3- با توجه به امکان شکل گیری بازار ثانوی این اوراق به نظر میرسد اوراق مرابحه (به ویژه نوع اول و دوم) از درجه نقد شوندگی بالایی برخوردار باشند.

4- هر چه تنوع اوراق مرابحه بیش تر شود-به ویژه زمانی که موسسه های مالی زیادی اقدام به انتشار مرابحه از نوع سوم کند. انتظار می رود بازار اولیه و ثانویه این اوراق به سمت رقابت و کارایی بالاتر سوق پیدا کند.



## صکوک منفعت و اجاره

از ابزارهای مالی اسلامی که از طرف کارشناسان مالی و منفعت اسلامی پیشنهاد شده و در برخی کشورهای اسلامی به مرحله اجرا نیز در آمده اوراق بهادار اجاره است. این اوراق افزون بر توان تجهیز و تخصیص منابع در بازار اولیه قابلیت خرید و فروش در بازار ثانویه را نیز دارد و می توانند با عنوان ابزار مالی کارآمد مورد استفاده کشورهای اسلامی قرار گیرند. گرچه اوراق اجاره و منفعت هر دو بر اساس قرارداد اجاره طراحی شده اند لیکن تفاوت های زیادی با هم دارند.

یک موسسه مالی با انتشار اوراق اجاره منابع مورد نیاز را جمع آوری می کند، سپس با استفاده از منابع کالاهای سرمایه ای و مصرفی با دوام مورد نیاز دولت بنگاهها موسسه ها و اشخاص حقیقی و حقوقی را خریداری کرده و به آنها اجاره می دهد.

از آنجا که کالاهای مذکور با استفاده از منابع صاحبان اوراق خریداری می شوند آنها مالک کالاها بوده و بالتبع آن مالک اجاره بها نیز خواهند بود.

بنا براین رابطه حقوقی دارندگان اوراق با موسسه مالی رابطه وکالت است. اشخاص با پرداخت پول نقد و دریافت اوراق اجاره به موسسه مالی وکالت می دهند پول آنان را به صورت مشاع همراه با پول سایر متقاضیان اوراق اجاره برای خرید کالاهای سرمایه ای و با دوام هزینه کنند. سپس آن کالاها را بصورت اجاره در اختیار متقاضیان قرار دهند و بصورت ماهانه یا فصلی اجاره بهای آنان را دریافت کرده و سپس از کسر درصدی به عنوان حق الوکاله بین صاحبان اوراق تقسیم کنند.

## اوراق منفعت

یکی دیگر از اوراق بهادار که برای پر کردن خلا حاصل از حذف اوراق قرضه در بازار مالی اسلامی پیشنهاد شد اوراق بهادار منفعت است که میتواند با استفاده از قراردادهای مجاز شرعی طراحی و به توسعه کمی و کیفی بازار مالی کمک کند.

ورق منفعت سند مالی بهاداری است که بیانگر مالکیت دارنده آن بر مقدار معین خدمات یا منافع از یک دارایی با دوام است که در ازای پرداخت مبلغ معینی به وی منتقل شده است.

1. به طور معمول قیمت منافع و خدماتی که از طریق اوراق منفعت واگذار می شود به تناسب مدت زمان باقی مانده تا سررسید پایین تر از قیمت اسمی آن منافع و خدمات است، در نتیجه کسی که در اوراق منفعت سرمایه گذاری می کند از محل خرید و فروش اوراق منفعت سود می برد. و هر چه به زمان سررسید نزدیکتر شود سود بیشتر می شود.



اگر تحول خاصی در اقتصاد پیش نیاید و قیمت اسمی منافع و خدمات تغییر نکند، سود حاصل از اوراق منفعت برابر تفاوت قیمت اسمی و فعلی خواهد بود که مبلغ ثابت و معینی است. بنابراین اوراق منفعت را می توان در کوتاه مدت جزو ابزار های مالی با سود معین و در بلند مدت جزو ابزار های مالی با سود انتظاری و متغیر به حساب آورد.

3. اوراق منفعت ریسک خاصی به نام ریسک عدم امکان استفاده و فروش در سررسید دارد به این بیان که دارنده ورق منفعت تا سررسید یا باید تصمیم بگیریم که خود از منافع استفاده کند و یا آن را به استفاده کننده دیگری واگذار نماید. و اگر سررسید فرارسد و نتواند هیچ یک از دو گزینه را انتخاب کند ارزش ورق منفعت از بین می رود و به صفر می رسد. ناشرین اوراق می توانند برای کاهش این ریسک ضمن قرارداد صلح، متعهد شوند که در صورت ارجاع دارنده ورق حاضرند، تا حداقل چند روز به سررسید به مبلغ معین اوراق مذکور را خریداری کنند.

4. به نظر می رسد با توجه به محدودیت های بازار اولیه و ثانویه اوراق منفعت و ریسک تغییرات، سود و ریسک سررسید اوراق منفعت این ابزار مالی تنها در مورد کالا معین که تقاضای قابل توجه دارند کارایی دارند در نتیجه بازاری محدود و در حد مکمل سایر بازار های مالی خواهد داشت.

#### نتیجه گیری:

در پژوهش حاضر با توجه به الزامات تامین مالی از حوزه عمومی و میل وافر عموم به اوراق با بهره ثابت، با توجه به مبانی اسلامی بویژه بانکداری بدون ربا با استفاده از ابزار کارآمد و عقود شرعی، ابتدا با شرح محدودیت ها و باید های قانونی و قراردادی بیع متقابل در نظام نفتی سه ابزار مالی را به صورت گزیده بررسی کردیم. صکوک اجاره - صکوک منفعت و صکوک مرابحه، بررسی نمودیم ماهیت حقوقی هر یک از اینها را که به ترتیب اجاره، صلح و بیع می باشد و شرط جواز صکوک را دارا هستند و با توجه به رویکرد های اقتصادی هر یک که در هر مورد به تفصیل آورده ایم می توان در پروژه های بالادست نفت از ابزار مالی اسلامی با انتشار عمومی بهره برد.

#### منابع:

1. بهکیش .م. 1381 ،اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن،تهران ، نشر نی
2. شبانی ،محمد، 1386 ،بازار های مالی و پولی بین المللی ، سمت، تهران
3. امانی ،مسعود، 1389،حقوق قراردادهای بین المللی نفت، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران
4. قانون معادن 16 بهمن 1317
5. قانون نفت مصوب 8 / 5 / 1353
6. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
7. قانون نفت 9 مهر 1366
8. موسویان،سید عباس ، 1391،بازار سرمایه اسلامی ،سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ، تهران